

پاینده ایران

ای آفریدگار پاک

ترا می پرستم و از تو یاری می جویم

"محمود گرگین مبارزی که به آرامش رسید"

ای آفریدگار پاک تا دنیا به پاست، تا زمین می گردد، تا خورشید می فروزد، تا ستاره ها بر سینه آسمان می درخشند میهن بزرگ مرا پیروز و کامیاب کن. مرزهای مین مرا از گزند نیروهای اهریمنی دوربدار. از بلندای کوه های مرزوبوم قفقاز تا دورافتاده ترین کناره های بحرین، از دامان سیحون خروشان تا کرانه های دجله و فرات کف آلود، پروردگارا پاینده دار این سر زمین پاک نیا کان را.

آنگاه که آرش، جان شیفته ی خویش را کارمایه ی پایان نا پذیر هستی جاویدان ایران بزرگ نهاد، آنگاه که رستم روئین تن از هفت خوان عشق گذشت تا پایندان ابدیت ایران باشد، آنگاه که بابک پهلوان دست بر خون پاک خویش زد تا چهره ی تابان خود را گلگون کند و آسمان ایران را نورافشان نماید، آنگاه که داریوش و پروانه فروهر دفتری دیگر از عشق رارقم زدند و سر حلقه ی جانبازان و میهن پرستان ایران شدند، حماسه پایندگی ایران بر بلندای دماوند، این بام سرفراز میهن، سرود جان بخش استقلال و آزادی را سر می داد.

آن که این میهن را دوست می دارد و آن که معنای هستی را درمی یابد و آگاه است که ایران، دل جهان است و جهان بی دل عرصه ای است سرد و تاریک و ناامیدویی جان و فرومانده در نادانی و پلشتی و ترس و بیدادگری. پاس می داریم جاودانگی و سربلندی میهن را و در این راه چه با ک اذشمنان این سر زمین، که خدنگ بر هستی شان می زنیم و آتش به لانه های پلشت و ناپاک و پلیدشان می افکنیم. برای سر بلندی و حفظ استقلال ایران چه جان های شیرین که بربل ها آمدند و چه روزگاری که در این راه سپری گشت.

در نیمروز چهارشنبه پانزدهم دیماه ۱۳۸۹، خورشیدی وجود یکی دیگر از شیفتگان ایران که روزگارش در راه مبارزه برای آزادی و حفظ استقلال و یکپارچگی ایران زمین و اتحاد همه ی تیره های ایرانی و خدمت به هم میهنان سپری شد، غروب کرد. همرزم "محمود گرگین" یار دیرین و وفادار "حزب ملت ایران" در سال ۱۳۲۷ مبارزات میهن پرستانه ی خود را نخست در "مکتب پان ایرانیسم" سپس همراه با "حسنعلی صارم کلالی و شادروان جواد تقی زاده" از موسسان مکتب و شادروان "داریوش فروهر و امیر سلیمان عظیمی و دکتر حسن غفوری" وعده ی دیگر حزب "نبرد ایران" و آنگاه در سنگر حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم ادامه داد. در جریان مبارزات نهضت ملی ایران و ملی کردن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق کوششی جا نانه داشت. او همراه دیگر یاران خود پرچم استعماری انگلستان را از فراز ساختمان شرکت نفت درخوزستان به زیر کشیده و به جای آن پرچم پر افتخار ایران را برافراشت. این مبارز خستگی ناپذیر، تلاش خود را همچنان تا بیرون راندن عوامل استعماری شرکت نفت پی گیری نمود و در تمام فراز و فرود های مبارزه های حزبی در برابر عوامل فریب خورده ی حزب توده از مواضع دولت ملی دکتر مصدق دفاع می کرد.

مبارزه ی وی پس از کودتا ی ۲۸ مرداد همچنان در سنگر حزب ملت ایران ادامه داشت تا آنجا که فشار و زندان نتوانست کوچکترین تزلزی در او به وجود آورد. او آموزه های میهن پرستی خود را به هموندان جوان حزبی ارائه می داد و تا آخرین لحظه های زندگی پر افتخار خود جزیه ایران نمی اندیشید و دردی جز غم هم میهنان خود نداشت.

"محمود گرگین" میهن پرستی صادق، صمیمی، مقاوم و در مقابل دشمنان ایران زمین سرسخت و پابرجا بود. این ویژگی او موجب می شد که همه ی دوستان و هموندان حزبی به او با دیده ی احترام بنگرند.

ما اکنون با احترام یاد می کنیم از آن بزرگمرد که در درازای بیش از نیم قرن مبارزه ی ملت گرایانه و پان ایرانیستی از مکتب تا حزب به ما رسم وفاداری، صداقت، شکیبایی، پایداری، اندیشیدن و تلاش در راه ساختن ایرانی آزاد و آباد را آموخت.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد
حزب ملت ایران

تهران ۱۸ دیماه ۱۳۸۹ خورشیدی